

بررسی علل عدم جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی و ارائه راهکارهایی جهت رفع موانع (۱)

✓ علل بهائی مهر

چکیده:

به کارگیری بهینه از تخصص فارغ التحصیلان دانشگاهی، یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها است. در این مقاله با بررسی متون تخصصی و مقالات و سخنرانی‌های علمی، علل عدم جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی در چهار محور دانشگاه، جامعه و صنعت، شاخصه‌های فردی و ارتباطات مورد بررسی قرار گرفته است و با نظرخواهی از اساتید دانشگاه و خبرگان عوامل مؤثر بر علل جذب فارغ التحصیلان اولویت‌بندی شده است و در نهایت راه کارهایی به منظور برون رفت از وضع موجود ارائه گردیده است.

مقدمه:

هنگامی که عامل تولید موردنظر، نیروی کار تحصیل کرده باشد معنی و مفهوم جدی‌تری می‌یابد. به عبارت دیگر، بایستی میان مجموع هزینه‌های پرداخت شده از محل منابع مالی اقتصاد که صرف آموزش نیروی کار گردیده با ارزش افزوده‌ای که این عامل به طور واقعی بر اقتصاد می‌افزاید تناسب واقعی وجود داشته باشد، حتی در غیر این صورت منابع کمیاب اقتصادی اتلاف گردیده است.

مسئله بیکاری طی سال‌های اخیر به عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی - اجتماعی در زمره مهم‌ترین تهدیدهای امنیت و توسعه ملی مطرح شده است. در این میان مسئله بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی از حساسیت و

بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. مکانیزم اصلی برای توسعه مهارت‌ها و دانش انسانی نظام رسمی آموزشی است.

در استفاده از عامل انسانی در جهت توسعه همه جانبه کشور، دو بحث اشتغال و بیکاری بسیار مورد توجه است.

پدیده بیکاری و لزوم مهار آن را از جنبه‌های مختلف می‌توان مورد بررسی قرار داد. از بُعد اقتصادی، منطبق حکم می‌کند که بیان هزینه‌های به کارگیری نیروی کار به عنوان یک عامل تولید، با ارزش افزوده حاصله از ناحیه این عامل تناسب وجود داشته باشد به طوری که ارزش تولید نهایی عامل نیروی کار حداقل معادل دستمزد پرداختی به این عامل باشد. این امر

منابع انسانی از مهم‌ترین عوامل در توسعه هر جامعه‌ای است و برای نیل به توسعه پایدار و متوازن جامعه، بی تردید تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد و موردنیاز جامعه در نهادهای آموزشی و پژوهشی، یک اصل اساسی است. منابع انسانی دارای مهم‌ترین و بیشترین نقش در روند توسعه یک کشور هستند. منابع انسانی پایه اصلی ثروت‌ها را تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تولیدند در حالی که انسانها، عوامل انسانی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند. کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری

اهمیت بیشتری برخوردار است.

عظیم تر محسوب می‌شود.

فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ارائه خواهد شد.

نخست به دلیل آنکه، هر ساله بخش قابل توجهی از منابع انسانی و مادی محدود کشور صرف تربیت این گروه می‌شود و در درجه بعدی، طی دهه‌های اخیر به نحو فزاینده‌ای، سطح پیشرفت و توسعه هر کشور تحت تأثیر نحوه استفاده از «سرمایه‌های انسانی» قرار گرفته است و دانش‌آموختگان مظهر و نمونه‌اعلای سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند. همچنین به دلیل آنکه آثار و عوارض سوء سیاسی - اجتماعی بیکاری دانش‌آموختگان به مراتب شدیدتر از سایر بیکاران است، طبیعی است که به این مسأله اهمیت ویژه‌ای داده شود.

تا آنجا که به مورد خاص کشورمان مربوط می‌شود، طی چندین دهه گذشته، همواره دولت، برای بالغ بر سه چهارم کل دانش‌آموختگان کشور مستقیماً فرصت شغلی فراهم می‌آورده و برای بخش اعظم باقی مانده نیز به صورت غیرمستقیم در اثر سرمایه‌گذاری دولتی، امکان یافتن شغل فراهم می‌شده است. اما امکان تداوم این روند طی چند ساله گذشته - به دلائل گوناگون، با محدودیت‌های روزافزونی همراه بوده و نتیجه آن نیز به صورت افزایش نرخ رشد بیکاری دانش‌آموختگان طی سال‌های اخیر ظاهر شده است و پیش‌بینی می‌شود که لااقل در چارچوب جهت‌گیری‌های برنامه سوم توسعه کشور، به ویژه به واسطه رویکرد «کوچک سازی دولت» طی سال‌های آتی در این زمینه با مشکلات جدی تری روبرو شویم.

دانش‌آموختگان آموزش عالی از زمره مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی هر کشور محسوب می‌شوند. مجموعه دانش‌آموختگان با عنایت به تنوع تخصص و دانشی که کسب نموده‌اند، بالقوه و بالفعل امکان گره‌گشایی بسیاری از معضلات جامعه را دارا می‌باشند. جذب و به‌کارگیری استعدادهای این مجموعه نیازمند استفاده از مدیریت مؤثر و کارآمد منابع انسانی است.

مسأله هدف اشتغال فارغ‌التحصیلان یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی در کشورهای مختلف بوده است. این توجه هم به لحاظ اهمیت بازار کار به عنوان مرکز ثقل اقتصادی و اجتماعی است و هم به لحاظ نقش اجتماعی می‌باشد که به افراد فارغ‌التحصیل برای نیل به اهداف توسعه کشور محول می‌شود. بنابراین، یافتن راه‌هایی برای افزایش فرصت شغلی و اشتغال دانش‌آموختگان از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های سیاستگذاران نظام محسوب می‌شود.

همانگونه که به‌کارگیری دانش‌آموختگان و استفاده مؤثر از توان علمی و تخصصی برای افزایش رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیار مفید است، در عوض، عدم استفاده و یا استفاده نامناسب از توان دانش‌آموختگان نه تنها در تحقق اهداف جامعه مؤثر نیست، بلکه آثار سوء ناشی از بیکاری دانش‌آموختگان به طور فردی و اجتماعی نقش ویرانگری خواهد داشت.

در این مقاله با هدف بررسی نظرات اساتید و خبرگان فن، در رابطه با علل عدم موفقیت جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی به تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده از طرف افراد نمونه خواهیم پرداخت و در نهایت راه‌کارهای پیشنهادی جهت افزایش موفقیت جذب

اگر پدیده بیکاری (که در هر جامعه‌ای کم و بیش وجود دارد) از جمله معضلات اقتصادی - اجتماعی در کشور است، بیکاری دانش‌آموختگان به عنوان بخشی از بیکاری عمومی، معضلی بس

کلیات و چگونگی تحلیل‌های انجام

شده نظرات اساتید و خبرگان فن

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل نظرات اساتید و خبرگان فن در رابطه با علل عدم جذب جوانان تحصیلکرده، ابتدا با بررسی متون تخصصی، مقالات و سخنرانی‌های علمی، پرسشنامه اولیه جهت سنجش نظرات تهیه گردیده و سپس با استفاده از نظرات کارشناسی اساتید و کارشناسان به ویژه متخصصین آماری پرسشنامه اصلاح و مورد تأیید قرار گرفت.

در مرحله دوم به منظور انتخاب نمونه آماری، مطالعات اولیه انجام و سپس از بین اساتید دانشگاهها در رشته‌های فنی و مهندسی به ویژه اساتید واحدهای کارآموزی از دانشگاههای صنعتی شریف، امیرکبیر، تربیت مدرس، دانشگاه شاهد، دانشگاه تهران تعدادی به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه در میان آنها توزیع گردید. همچنین با شناسایی برخی از کارشناسان خبره اشتغال در وزارت کار و امور اجتماعی، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی و اداره کل کار و امور اجتماعی استان تهران تعدادی به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه توزیع گردید.

کل نمونه‌های انتخاب شده ۵۰ نفر می‌باشد که نظرات تخصصی آنها با استفاده از فنون مختلف آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

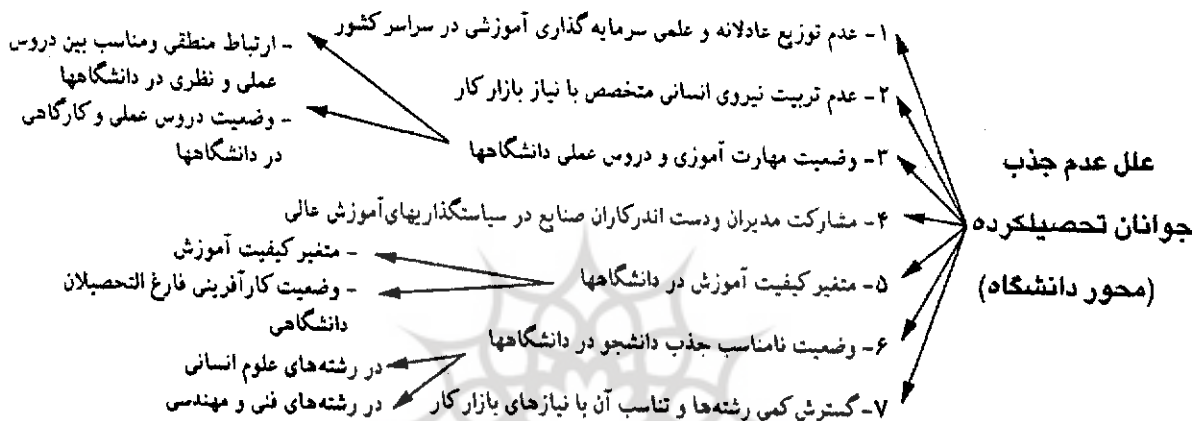
- تحلیل‌های انجام شده بر روی پرسشنامه اساتید و خبرگان فن (شامل ۵۱ سؤال) با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS (فنون آمار توصیفی و استنباطی) انجام شده است و به منظور تحلیل وضعیت مؤلفه‌ها از آزمون باینومینال، جهت اولویت‌بندی مؤلفه‌ها از آزمون تحلیل فریدمن و در بررسی تأثیر مشخصات پاسخ‌دهندگان بر روی هر مؤلفه از آزمون کروسکال وایس استفاده شده است.

بررسی مؤلفه‌های مربوط به عدم موفقیت جوانان تحصیلکرده به جذب در واحدهای صنعتی

به منظور بررسی علل عدم موفقیت جوانان تحصیلکرده به جذب در واحدهای صنعتی تعدادی از مؤلفه‌ها و متغیرها مشخص گردید که در دسته‌بندی انجام شده تحلیل‌ها در چهار محور دانشگاه، جامعه و صنعت، شاخصه‌های فردی و ارتباطات جای گرفتند که به شرح زیر ارائه می‌شود:

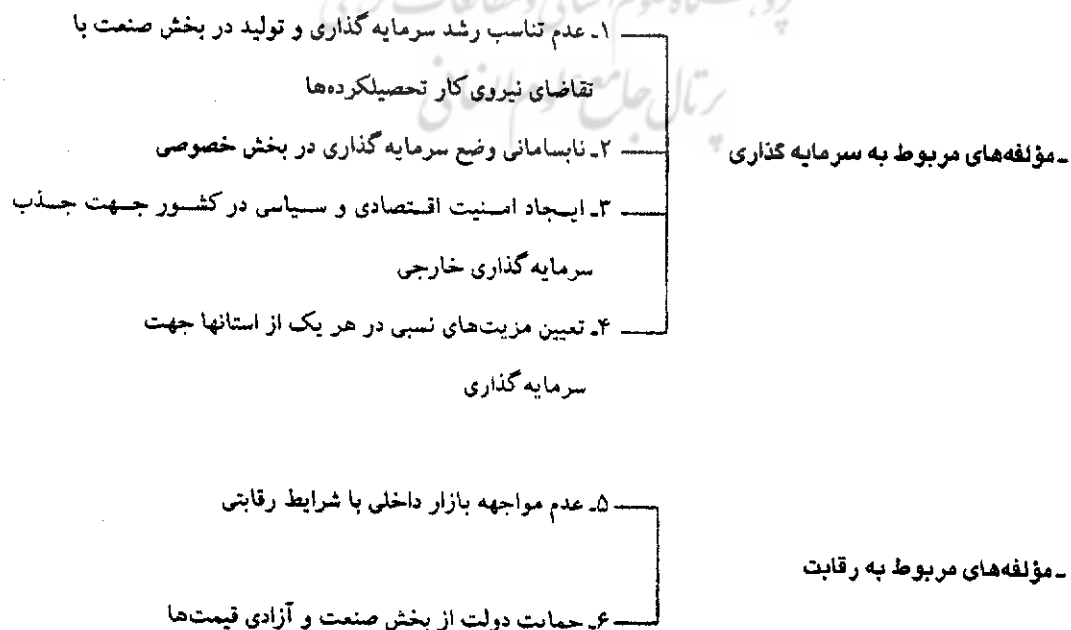
۱- محور اول: دانشگاه

در این قسمت دلیل عدم موفقیت جذب جوانان تحصیلکرده که دانشگاه عامل اصلی آن بوده به تفکیک متغیرها به صورت موارد زیر مشخص شده‌اند. (این متغیرها دلائل ضعف دانشگاهها در عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به مراکز صنعتی بیان می‌کنند).



محور دوم: جامعه و صنعت

در این بخش مسائل مختلفی مطرح شده است که در آنها علل عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه در صنایع مورد بررسی قرار گرفته است. این موارد متغیرهای مختلفی را شامل می‌شود که به شرح زیر بیان شده‌اند:



مؤلفه‌های مربوط به تکنولوژی

- ۷- سرمایه بری صنایع کشور
- ۸- تأثیر تکنولوژی مدرن بر اشتغال

مؤلفه‌های اقتصادی

- ۹- تورم توأم با رکود در کشور
- ۱۰- دادن پارانہ به واحدهای اقتصادی اشتغال زا
- ۱۱- برقراری تخفیف‌های مالیاتی در واحدهای اقتصادی

مؤلفه تسهیلات: ۱۲- عدم توزیع مناسب تسهیلات اشتغال

مؤلفه‌های مربوط به قوانین و مقررات

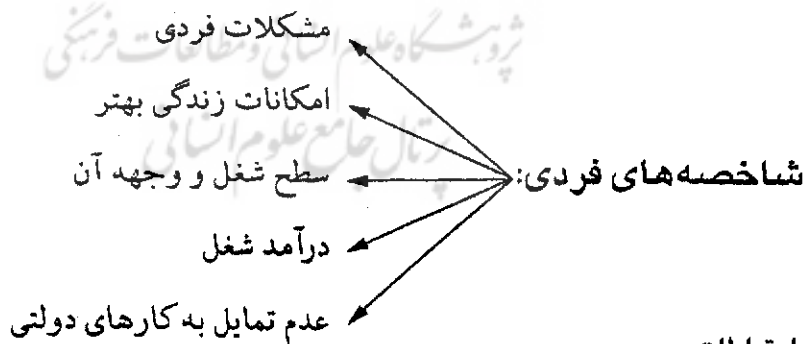
- ۱۳- بوروکراسی زیاد اداری در انجام سرمایه گذاری خصوصی
- ۱۴- محدودیت‌های قوانین و مقررات

مؤلفه‌های مربوط به حمایت دولت

- ۱۵- تأسیس مراکز حمایت از کارآفرینان
- ۱۶- حمایت دولت از توسعه صنایع کوچک
- ۱۷- حمایت دولت از واحدهای تحقیق و توسعه

محور سوم: شاخصه‌های فردی

در محور سوم این مهم در نظر گرفته شده است که علل عدم موفقیت جذب جوانان تحصیلکرده، به خود آنها برمی‌گردد، یعنی مسائل وجود دارد که سبب می‌شود فارغ‌التحصیلان دانشگاهی خود ترجیح دهند در واحدهای صنعتی مشغول به کار نشوند. این علل مواردی مانند امکانات زندگی، سطح و وجهه شغل، درآمد شغل، عدم تمایل به انجام کار دولتی و غیره را شامل می‌شوند. این متغیرها به شرح زیرند:



محور چهارم: ارتباطات

در رابطه با این محور دو مؤلفه کلی:

- ۱- عدم اطلاع‌رسانی صحیح فرصت‌های شغلی در کشور.
- ۲- عدم وجود روابط اجتماعی قوی برای افراد تحصیلکرده بیکار بررسی شده است.

اولویت‌بندی عوامل مهم در عدم موفقیت جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی

این اولویت بندی برای مؤلفه‌های مختلف چهار محور دانشگاه، صنعت، عوامل فردی و ارتباطات به شرح زیر است:

- ۱- اولویت بندی عوامل مهم محور دانشگاه (مؤثر در عدم جذب دانش‌آموختگان دانشگاهها):

آیا این مولفه به عنوان عامل مهم در جذب دانش آموختگان تلقی شده است	اولویت	نام مولفه
بله	اولویت اول	۱- عدم پرورش دانشجویان کارآفرین با محتوا و شیوه‌های آموزشی موجود
بله	اولویت دوم	۲- عدم مشارکت مدیران و دست اندرکاران صنایع در سیاستگذارهای آموزشی
بله	اولویت سوم	۳- عدم تناسب گسترش کمی رشته‌های مختلف با نیازهای بازار کار
بله	اولویت چهارم	۴- عدم ارتباط صحیح و منطقی بین آموزش نظری و مهارت آموزی در دانشگاهها
بله	اولویت پنجم	۵- جذب بیش از حد نیاز دانشجو در رشته‌های مختلف علوم انسانی و فنی و مهندسی
بله	اولویت ششم	۶- ضعف دروس عملی و کارگاهی دانشگاهها
خیر	اولویت هفتم	۷- کیفیت ضعیف آموزش در دانشگاهها
خیر	اولویت هشتم	۸- عدم توان تربیت نیروی انسانی متخصص در دانشگاهها متناسب با تغییر نیاز بازار کار
خیر	اولویت نهم	۹- عدم توزیع عادلانه و علمی سرمایه گذاری آموزشی در سراسر کشور

در تأیید اولویت بندی بالا طبق تحلیل‌های آماری $P\text{-value}=0 < \alpha = 5\%$ است، لذا وجود تفاوت معنادار بین آن محرز است.

۲- اولویت بندی عوامل مهم محور صنعت (عوامل موجد و مؤثر در عدم جذب و بیکاری دانش آموختگان دانشگاهها):

این موارد به ترتیب از بالا به پایین مهمترین عوامل در عدم جذب جوانان دانشگاهی و بیکاری دانش آموختگان هستند.

آیا این مولفه به عنوان عامل مهم در جذب دانش آموختگان تلقی شده است	اولویت	نام مولفه
بله	اولویت اول	۱- عدم ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی کشور جهت جذب سرمایه گذاری خارجی
بله	اولویت دوم	۲- بوروکراسی زیاد اداری برای سرمایه گذاری در بخش خصوصی
بله	اولویت سوم	۳- نابسامانی وضع سرمایه گذاری در بخش خصوصی
بله	اولویت چهارم	۴- عدم حمایت دولت از واحدهای تحقیقاتی در صنایع
بله	اولویت پنجم	۵- عدم تعیین مزیت‌های نسبی هر یک از استانها جهت سرمایه گذاری
بله	اولویت ششم	۶- عدم وجود مراکز حمایت از کارآفرینان
بله	اولویت هفتم	۷- عدم حمایت دولت از توسعه صنایع کوچک و متوسط
بله	اولویت هشتم	۸- عدم توزیع مناسب تسهیلات اشتغال
بله	اولویت نهم	۹- عدم تناسب رشد سرمایه گذاری و تولید در بخش صنعت با تقاضای نیروی کار تحصیلکرده
بله	اولویت دهم	۱۰- عدم توسعه استفاده از تکنولوژی مدرن
بله	اولویت یازدهم	۱۱- وجود تورم توأم با رکود
بله	اولویت دوازدهم	۱۲- عدم مواجهه بازار داخلی با شرایط رقابتی
بله	اولویت سیزدهم	۱۳- عدم برقراری تخفیف‌های مالیاتی در واحدهای اقتصادی
بله	اولویت چهاردهم	۱۴- تحولات در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه افزایش و نرخ مشارکت زنان
بله	اولویت پانزدهم	۱۵- توجه بیشتر صاحبان صنایع به جذب افراد با تجربه به جای افراد تحصیلکرده بدون تجربه
بله	اولویت شانزدهم	۱۶- عدم ارائه آموزش کاربردی به فارغ التحصیلان دانشگاهها قبل از مراجعه به بازار کار
بله	اولویت هفدهم	۱۷- حمایت دولت از بخش صنعت
خیر	اولویت هجدهم	۱۸- عدم ارائه یارانه به واحدهای اقتصادی اشتغال زا
خیر	اولویت نوزدهم	۱۹- محدودیت‌های قوانین و مقررات کار
خیر	بیستم	۲۰- سرمایه بری صنایع کشور

لازم به ذکر است که در اولویت بندی فوق $P\text{-value}=0 < a = 5\%$ است. لذا این اولویت بندی از نظر آماری معنادار است.

۳- اولویت بندی مؤلفه‌های محور سوم: شاخصه‌های فردی

اولویت بندی این عوامل به شرح زیر است (این اولویت بندی با توجه به اینکه $P\text{-value}=0 < a = 5\%$ از نظر آماری معنادار است).

نام متغیر	اولویت	آیا این مؤلفه به عنوان عامل مهم در جذب دانش آموختگان تلقی شده است
۱- امکانات زندگی بهتر	اولویت اول	خیر
۲- سطح شغل و وجهه آن	اولویت دوم	خیر
۳- درآمد و سطح زندگی	اولویت سوم	خیر
۴- عدم تمایل به فعالیت در ادارات دولتی	اولویت چهارم	خیر
۵- مسائل فردی	پنجم	خیر

در رابطه با اولویت بندی شاخص‌های فردی اولاً لازم به ذکر است، مطابق با تحلیل آمار استنباطی که با آزمون پائنومیال انجام شده، صاحب‌نظران معتقدند مؤلفه‌های شاخصه‌های فردی نمی‌توانند عامل مهمی در پدیده بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی باشند و یا تأثیر کمی در این پدیده دارند، ولی اگر بخواهیم همین میزان تأثیرات کم را نیز مورد بررسی قرار دهیم و آن عوامل را اولویت بندی کنیم به ترتیب جدول فوق، اولویت بندی می‌شوند.

۴- اولویت بندی مؤلفه‌های محور ارتباطات

اولویت بندی مؤلفه‌های تعریف شده برای این محور به صورت زیر است:

نام متغیر	اولویت	آیا این مؤلفه به عنوان عامل مهم در جذب دانش آموختگان تلقی شده است
۱- عدم اطلاع رسانی صحیح فرصتهای شغلی در کشور	اولویت اول	خیر
۲- عدم وجود روابط اجتماعی قوی افراد تحصیلکرده بیکار	اولویت دوم	خیر

در تأیید اولویت بندی فوق $P\text{-value}=0/005 < a = 5\%$ است، لذا با توجه به این سطح معنادار اولویت بندی همین در مؤلفه نیز مورد تأیید است. ولی باید توجه داشت که این دو عامل تأثیر بسیار کمی در بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی داشته‌اند یعنی طبق نظر اساتید، جزء دلایل اصلی عدم موفقیت جوانان تحصیلکرده به حساب نیامده‌اند و یا اصلاً معتقدند که اطلاع‌رسانی فرصت‌های شغلی در کشور تا حدودی وجود دارد.

- اولویت بندی محورهای کلی عدم موفقیت جذب دانش آموختگان دانشگاهی:

طبق اولویت بندی انجام شده با آزمون فریدمن این مورد بررسی شده است که آیا علت اصلی وضعیت فعلی دانش آموختگان دانشگاهی بیشتر به کدام محور بر می‌گردد. با این حال اولویت بندی انجام شده نتایج زیر به دست آمده‌اند:

نام محور	اولویت بندی
۱- جامعه و صنعت	اولویت اول
۲- دانشگاه	اولویت دوم
۳- شاخصه‌های فردی	اولویت سوم
۴- ارتباطات	اولویت چهارم

یعنی علت اصلی بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها در مؤلفه‌های مربوط به جامعه و صنعت و سپس دانشگاه و بعد شاخصه‌های فردی و ارتباطات با کمترین اهمیت مد نظر قرار می‌گیرند. همچنانکه در تحلیل‌های انجام شده شاخص‌های فردی و وضعیت ارتباطات عوامل مهمی در بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهها تلقی شده‌اند.

ارائه راهکارهایی درخصوص رفع

موانع جذب دانش‌آموختگان

دانشگاهها از دیدگاه اساتید و خبرگان

در بررسی منابع و ادبیات موضوع چهار محور عامل بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی مدنظر قرار گرفته‌اند. (جامعه و صنعت، دانشگاه، عوامل فردی، ارتباطات). مطابق با تحلیل‌های انجام یافته مشکل صنعت مهمترین عامل در عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است و سپس مشکل به دانشگاه بر می‌گردد دو عامل بعدی (فردی و ارتباطات) اهمیت زیادی ندارند. در عین حال پیشنهادات زیر درخصوص حل مشکل عدم جذب جوانان دانشگاهی ارائه می‌شود:

- تقریباً تمام صاحب‌نظران معتقد هستند که وجود امنیت اقتصادی و سیاسی در کشور جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در حل مشکل موردنظر مهم باشد که شاید حل این مورد به سیاست‌های کلان کشور و سیاست‌گذاری‌های کلی در بالاترین سطوح کشور و یا نقش بسیار فعال دو وزارتخانه مهم صنایع و معادن و وزارت بازرگانی برای حل این مورد صورت گیرد.

- به دنبال برنامه‌های خصوصی‌سازی در کشور، ایجاد زمینه‌های خاص و معرفی مزیت‌های نسبی برای سرمایه‌گذاری خصوصی می‌تواند عامل بسیار مهم ایجاد اشتغال باشد.

همچنین علاوه بر آن کاهش محدودیت‌های

اداری در ایجاد شرکت‌های صنعتی خصوصی می‌تواند نقش مهمی در ترغیب افراد برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی باشد.

- تأسیس و طراحی مراکز خاصی جهت حمایت از کارآفرینان در اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه به‌خصوص در زمینه رشته‌های علوم پایه و مهندسی بسیار حائز اهمیت است.

- حمایت دولت از واحدهای تحقیق و توسعه مراکز صنعتی و توسعه آنها از جنبه‌های کمک‌های مالی و ساختاری و اداری به اینکه مراکز صنعتی با اخذ مشخصاتی خاص حتماً باید این واحد را داشته باشند، بسیار حائز اهمیت است.

- مشخص نمودن سهمی از کل میزان تسهیلات مربوط به اشتغال برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و توزیع مناسب آن در سطح جامعه با ارائه ساز و کارهای کنترلی تدوین شود.

- توجه به رابطه مهم تناسب رشد سرمایه‌گذاری و تولید در صنعت و میزان عرضه نیروی کار جامعه که این دو باید با همدیگر مدنظر قرار گیرند به نحوی که افزایش آن دو توأم با یکدیگر صورت گیرد. در جامعه ما رشد سرمایه‌گذاری و تولید در صنعت نسبت به میزان رشد نیروی کار تحصیلکرده کمتر بوده است.

- توجه به مسائل اقتصادی مانند وضعیت تورم و رکود جامعه، ایجاد شرایط یک بازار رقابتی واقعی در جامعه بدون کمک دولتی، برقراری تخفیف‌های مالیاتی برای واحدهای اقتصادی اشتغال‌زا در حل مسأله عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مؤثرند.

- برنامه‌ریزی صحیح و اصولی نیروی انسانی کشور با توجه به تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی در این ارتباط بسیار حائز اهمیت است.

- ارائه آموزش کاربردی به فارغ‌التحصیلان دانشگاهها قبل از مراجعه به بازار کار موجب می‌گردد که افراد در این مدت با نوع کار، وضعیت صنعت و نیازمندی‌های صنایع آشنا شده و در هنگام جذب

توانائی‌های بیشتر، از خود نشان دهند. همین مورد موجب جلب اعتماد کارفرمایان و صاحبان صنایع می‌شود و جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به سهولت بیشتری امکان‌پذیر می‌سازد.

- در بررسی عوامل دانشگاه، موضوع کارآفرینی مهمترین بحث را در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به خود اختصاص داده است. صاحب‌نظران معتقدند که اصولاً شیوه‌های آموزشی و محتوای دروس موجبات کارآفرینی را فراهم نمی‌سازد. در صورتی که این عامل نقش بسیار مهمی در جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی به واحدهای صنعتی دارد. امروزه بحث کارآفرینی از ابعاد مختلف در کشور مورد توجه قرار گرفته است. اختصاص واحد درسی به رشته‌های مختلف در دانشگاه و یا برگزاری مرتب و منظم کارگاههایی در این مورد در مراکز آموزش عالی به نحوی که ضمن آن تمهیداتی فراهم شود که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان را به این دوره‌ها و سمینارها جذب کند، بسیار حائز اهمیت است.

- مشارکت مدیران و دست‌اندرکاران صنایع در سیاست‌گذاری آموزشی از سوی صاحب‌نظران مورد تأکید قرار گرفته است. برگزاری منظم جلساتی توسط یک سازمان ذیربط برای برقراری ارتباطات بیشتر و تبادل نظر بین این دو گروه بسیار حائز اهمیت است و یا حتی دعوت از بعضی کارآفرینان و صاحبان صنایع بزرگ کشور در این ارتباط می‌تواند مفید باشد.

- در یک مورد دیگر بازنگری و تجدید نظر آموزش‌های نظری و آموزش‌های عملی و کارگاهی در دانشگاهها توصیه می‌گردد و باید مورد تأکید قرار گیرد. صاحب‌نظران اعتقاد دارند که ارتباط صحیح و منطقی بین آموزش‌های نظری و مهارت آموزشی در دانشگاه به طور کامل وجود ندارد و نیز اظهار می‌دارند که دانشگاهها در درس علمی و کارگاهی خود واقعاً ضعف دارند. آنها عدم سرمایه‌گذاری دانشگاهها در تجهیز کارگاهها و آزمایشگاهها و برقراری دروس عملی و

کارگاهی با ابزار فرسوده و قدیمی را نقطه ضعف بزرگ در دانشگاه می‌دانند که باید حل شود. به طور کلی، برای حل این مشکل برقرار منظم دوره‌های کارآموزی و فعالیت‌های اجرایی و پروژه‌های در سطح گسترده به نحوی که با پشتیبانی کامل دانشگاه و مراکز آموزش عالی همراه باشد، توجیه می‌گردد.

- متأسفانه عامل دیگری که به دانشگاه بر می‌گردد جذب بیش از حد نیاز جامعه به دانش آموخته دانشگاهی طی سالیان اخیر بوده است. طی سالیان گذشته رشد ناگهانی دانشگاهی و جذب بدون برنامه دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف (دولتی و غیردولتی) موجبات تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان و نهایتاً بیکاری آنها شده است. در همین مورد توجه به گسترش کمی رشته‌ها و گرایش‌ها آنها متناسب با نیاز بازار کار از اهمیت زیادی برخوردار است. حل این مشکل با برنامه‌ریزی صحیح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیاز سنجی دقیق از صنایع امکان‌پذیر است.

- در زمینه ارائه راهکارهای کلی در مورد مسائل (و شاخصه‌های فردی) و مسأله ارتباطات، اساتید و صاحب‌نظران نقش و تأثیر این دو عامل را در پدیده بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی خیلی مهم نمی‌دانند ولی در این رابطه ایجاد سیستم منسجم و وسیع پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرصت‌های شغلی که از طریق وزارت کار و امور اجتماعی یا دیگر سازمان‌های مرتبط می‌تواند صورت گیرد. در حل مشکل بیکاری حائز اهمیت است.

- به طور کلی در بیان ارائه راهکارهای کلی توجه به بخش جامعه و صنعت و دانشگاه نسبت به شاخص‌های فردی و ارتباطات از اهمیت بسیار زیادتری برخوردارند. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱- این مقاله بخشی از پروژه «طرح جامع و فراگیر کارورزی جوانان تحصیل کرده» می‌باشد که به سفارش وزارت صنایع و معادن توسط نگارنده در مرکز مطالعات مدیریت و بهره‌وری ایران وابسته به دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است.

منابع:

- ۱- خزائی، احمد (مترجم) اشتغال در جهان سوم (مسائل و استراتژی)، ۱۳۶۸.
- ۲- پرهیزکار، کمال، اصول و مبانی علمی طبقه‌بندی و ارزشیابی مشاغل ص ص ۳۹ و ۴۳.
- ۳- شارل زید و شارل ریست، تاریخ عقاید اقتصادی از فیویوکرات‌ها تا استوارت میل، ترجمه دکتر کریم سنجابی، مؤسسه تحقیقات اقتصادی، چاپ اول، سال ۱۳۴۷.
- ۴- کینز جان مینارد، نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، ترجمه متوجه فرهنگ، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸.
- ۵- براقی فیروز، وجوه اقتصادی و اجتماعی برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۵۶.
- ۶- داداشپور فرخزاد، دانشگاه در بحران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- ۷- آل آقا فریده (مترجم)، بحران جهانی در آموزش و پرورش و چشم‌انداز آن از دهه هشتاد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران، ۱۳۷۳.
- ۸- لویی امری و دارام قای، مسائل اشتغال در کشورهای در حال توسعه، ترجمه عزیز کیاوند، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹.
- ۹- امینی علیرضا، بررسی وضعیت اشتغال نیروی کار دارای آموزش عالی با تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی در سه دهه اخیر و چشم‌انداز آتی در برنامه سوم توسعه و ارائه راهکارهای مناسب (مقاله).
- ۱۰- مؤمنی فرشاد «ترتیب‌های نهادی مناسب برای حل مشکل بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی». (مقاله)
- ۱۱- ضرفرامی مصطفی «بررسی مشکلات اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی، تنگناها، زمینه‌ها راه‌حل‌ها». (مقاله)
- ۱۲- دری بهروز (دکتر) «بررسی الگوی افزایش فرصت‌های شغلی دانش‌آموختگان آموزش عالی کشور»، (مقاله).
- ۱۳- چیت‌ساز قمی محمد جواد «آموزش عالی - اشتغال، بیکاری». (مقاله)
- ۱۴- فهیم محیایی فریا «بررسی وضعیت بیکاران دارای تحصیلات عالی»، سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، آبان‌ماه ۱۳۷۵.
- ۱۵- صبوحی فرحناز، فیروزکوهی مقدم طیب، «تحلیل دیدگاه دانشجویان در رابطه با آینده شغلی آنها»، سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی، آذرماه ۱۳۷۵.
- ۱۶- جمشید رمضان، تجزیه و تحلیل روند رشد اشتغال و تغییرات ساختاری آن در بخش صنعت در استان‌های مختلف ایران، پایان‌نامه، خرداد ۱۳۷۸.
- ۱۷- مقالات منتخب و ارائه شده در همایش مشکلات و چشم‌انداز اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی، خرداد ۱۳۷۹، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

18. Salami, Jamil, The Higher Education Crision Developing countries issues problem constraints performs. IRE Journal, 1992, 38, PP. 9-33.

19 - W.W Mc Mahon, Student Labor Market Expectation. P 182.